

نگاهی کوتاه به ۲ سریال رضانی «یاور» و «احضار»

تبلیغ ارواح بازی و پدرسالاری

احسان رحیمزاده
منتقد

امسال تلویزیون آنتن رضانش را به سریال‌های غیر رضانی سپرد. در سال‌های دور بعضاً دو یا سه شبکه آنتن رمضان را در اختیار سریال‌های کم‌دی قرار می‌دادند. در سال‌های اخیر حداقل یک شبکه سنگر کم‌دی را حفظ می‌کرد و بقیه شبکه‌ها سراغ ژانرهای دیگر می‌رفتند. امسال تلویزیون ترجیح داد با دو سریال اجتماعی و یک سریال ترسناک و ماورایی در ماه رمضان عرض اندام کند. بینندگان تلویزیون خاطرات خوشی از سریال‌های موفق کم‌دی ماه رمضان همچون «پشت کنکوری‌ها»، «خانه به دوش» و... دارند. مروری بر دو سریال «احضار» و «یاور» نشان می‌دهد که تلویزیون در غیاب سریال‌های کم‌دی، امسال در عرصه سریال‌های رضانی نمره قبولی نگرفته است.

■ **ترویج ناخواسته**



سریال «احضار» ساخته علیرضا افخمی با این هدف ساخته شده که «احضار روح» را زیر سؤال ببرد و دیگران را از این کار نهی کند. اما در اقدامی مغایر با هدف تعریف شده دارد این کنش ناپسند را ترویج و تبلیغ می‌کند. مخاطبی که سریال «احضار» را می‌بیند، بدش نمی‌آید که روح در گذشتگانش را احضار کند و کنارشان بنشیند و گل بگوید و گل بشنود. نویسنده و کارگردان به جای آنکه موضع‌گیری‌شان را دربارۀ درونمایه اصلی داستان یعنی «احضار روح» بیان کنند، پشت معما آفرینی مخفی می‌شوند. چند قسمت از سریال باقی مانده و مخاطب هنوز نمی‌داند این روحی که جلوی خانم فالگیر (مینو با بازی افسانه چهره‌آزاد) ظاهر می‌شود، کیست؟ روح شیطانی است یا روح مرحوم کامرانی؟ شاید هم خود شیطان است؟ مخاطبی که اطلاعات مذهبی کمی دارد، با دیدن صحنه‌های احضار روح چه چیزی دستگیرش می‌شود؟ احتمالاً کارگردان در پاسخ می‌گوید که ما در قسمت آخر همه ابهام‌ها را بر طرف می‌کنیم؛ آن وقت تکلیف بیننده‌ای که فقط همین چند قسمت را دیده چیست؟ در سریال‌های پلیسی معما در دقیقه ۹۰ حل می‌شود و مخاطب می‌فهمد که زرد یا قاتل کیست. اما سریال «احضار» یک محصول دینی و نه پلیسی است. بیننده‌ای که این سریال را دنبال می‌کند، بیش از آنکه دنبال کشف معما باشد، حقیقت و معنویت را جست‌وجو می‌کند. در قسمت‌های ابتدایی گفته می‌شود که مینو کلابردار است و مشتریانش (زهره و مانده) دچا توهم می‌شوند. اما بتدریج می‌بینیم که روح احضار شده، واقعاً وجود دارد و تخیلی نیست. چرا که او از چیزهایی خبر دارد که مستریان از آن با خبرند. ضمن اینکه خود مینو هم بی‌آنکه توهمی داشته باشد، می‌تواند با روح وارد گفت‌وگو شود.

احضار در کنار نقطه ضعف اشاره شده داستان لاغری دارد که نمی‌تواند جوابگوی یک سریال بیست و چند قسمتی باشد. نویسنده با خودش محاسبه کرده که اگر کل ماجرای روح سرگردان را بخواد یک‌کاسه کند، نتیجۀاش یک سریال سه قسمتی می‌شود. به همین خاطر ماجرای ازدواج زهره و خیانت خواستگارش را به قصه اصلی افزوده تا ظرف زمانی سریال در اپُر بند. در نتیجه در یک سریال دوباره مواجهیم که دو داستان مجزا دارد. فیلمنامه‌نویس تلاش می‌کند که این دو خرده داستان (احضار روح و خواستگار خیانتکار) را به هم پیوند بدهد. ولی تلاش او بی‌فایده است.

سریال‌ساز از یک طرف با فقر محتوا و ایده دربارۀ بخش ماورایی اثر مواجه است و از طرف دیگر می‌خواهد این فقر را با یک خرده‌داستان بی‌ربط جبران کند. داستان خیانت خواستگار و علاقه‌اش به دختری دیگر هزاران بار در دیگر فیلم‌ها و سریال‌ها روایت شده و اینجا بدون اینکه بعد جدیدی پیدا کند، تکرار می‌شود. زهره انگیزه لازم برای احضار روح را ندارند. فیلمنامه می‌خواهد نشان دهد که آنها چون در مرگ کامرانی مقصر هستند، حالا می‌خواهند با احضار روح اشتباه خودشان را جبران کنند. در حالی که کامرانی روح تصادف کرده و مرگش ارتباط چندانی به این دو دختر نداشت. بهتر بود که فیلمنامه‌نویس انگیزه‌ای دراماتیک برای تلاش این دو دختر در جهت احضار روح طراحی کند.

در پایان بد نیست اشاره‌ای به بازی ضعیف بازیگران نقش مانده و زهره هم داشته باشیم. ظاهراً آنها هر کدام در یکی، دو تئاتر بازی کرده‌اند. به‌نظر می‌رسد آنها زودتر از موعد به عرصه بازیگری وارد شده‌اند و هنوز توانایی ایفای نقش‌های حساس را ندارند.

■ **«یاور»؛ استبداد**



زن صبور و شجاع (با بازی ترنس محمدی در نقش ستایش) مقابل حشمت فردوس قرار می‌گیرد و وجه احساسی اثر را پر رنگ می‌کند. در سریال «یاور» اما یک مرد مستبد همه کاره است و اثر جنبه زنانه ندارد. با آنکه گفته شده سریال می‌خواهد از معرفت و مردانگی بگوید؛ ولی در عمل دارد استبداد و پدرسالاری را رواج می‌دهد. داریوش ارجمند همان نقش‌های قبلی‌اش را بی‌کم و کاست تکرار می‌کند. مردی عصبی، بداخلاق، سنتی که زود از کوره در می‌رود. در حالی که خانواده‌های امروزی نیازمند همدلی و گفت‌وگو هستند، تلویزیون دارد خانواده‌ای سنتی را ترویج می‌کند که نفر اول آن هیچ نقدی را بر نمی‌تابد. دربارۀ نقش زن در چنین سریالی می‌توان ساعت‌ها صحبت کرد. شوکت (همسر یاور) حضوری ویتربنی در خانواده دارد و کار خاصی انجام نمی‌دهد. عروس خانواده هم پس از آنکه با خیانت همسرش مواجه می‌شود، مجبور می‌شود ببخشد و همه چیز را فراموش کند. چنین شخصیت‌هایی در خانواده‌های امروزی تا چه اندازه قابل الگوبرداری هستند؟

■ **یکشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۰**
■ **سال بیست و هفتم**
■ **شماره ۶۲۳**

■ **در مقایسه با دیگر سریال‌های ماه رمضان «یاور» به‌خاطر فضا و قصه آشنای ایرانی‌اش و قدرت قصه‌گویی نویسنده‌ای که یکی از مهم‌ترین فیلمنامه‌نویس‌های سینمای علمه‌پسنداست و نشان داده نبض احساس مخاطب را خوب در دست دارد موفق‌تر از دیگر سریال‌ها ظاهر شده است. شما چه زمانی به‌این سریال پیوستید؟**

با آقای زین‌کوب (تهیه‌کننده) آشنایی قدیمی داشتم و آقای سلطانی را هم دورادور می‌شناختم. با توجه به زمان محدود تولید و ضرورت رسیدن کار به کندانسور ماه رمضان، سازندگان سریال برای اینکه کیفیت کار فدای سرعت نشود از همان ایام پیش تولید تصمیم گرفتند در دو گروه مجزا، به‌صورت همزمان ساخت سریال پیگیری شود. من هم در مرحله پیش‌تولید و انتخاب بازیگرها به گروه اضافه شدم. قرار شد همراه با آقای سلطانی و به‌صورت همزمان کار را تولید کنیم.

■ **تقسیم کار چطور بود؟ شما فصل‌های قدیم را کارگردانی کردید یا معاصر را؟**

تقسیم کار خیلی شکل مشخصی نداشت. به‌دلیل هماهنگی کاملی که بین من و آقای سلطانی وجود داشت، آقای مجید کرباسچیان مدیر برنامه‌ریزی سریال بر اساس لوکیشن‌های مختلف و الزامات تولید و برنامه بازیگران برنامه‌ریزی می‌کرد و همزمان فیلمبرداری انجام می‌شد. دو گروه تولید و تدارکات منسجم هم داشتیم که امکانات مورد نیاز را فراهم می‌کردند. من و آقای سلطانی دائم با هم در تماس بودیم، تلاش کردیم به لحاظ بصری و تمام جزئیات کار از ایده و افکار هم‌باخبر شویم و به هماهنگی کامل برسیم تا کار یکدست پیش برود.

■ **در انتخاب تیم بازیگری مشارکت داشتید؟ یا توجه به تشابهی که بین این کار و آثار قبلی سازندگان سریال سلتاش و جردود را به‌نظر می‌رسد این انتخاب از طریق آقای سلطانی و مطلبی و زین‌کوب در مقام کارگردان نویسنده و تهیه‌کننده، بوده‌است. بله، زمانی که من به تیم پیوستم نقش اصلی انتخاب شده بود. اساس فکر می‌کنم از همان ابتدا نقش یاور در فواره ایشان نوشته شده بود. الان هم که سریال پیش می‌شود هیچکس نمی‌تواند بگوید گزینه‌ای بهتر و مناسب‌تر از داریوش ارجمند برای نقش یاور وجود دارد. به غیر از آقای ارجمند، بقیه بازیگرها در حد گزینه مطرح بودند. من هم موارد پیشنهادی‌ام را به آقای سلطانی و زین‌کوب گفتم و بر اساس شرایط و اقتضای نقش‌ها به نتیجه‌ای رسیدیم که می‌بینید. به‌نظر من ترکیب بازیگران، ترکیبی قوی و جذاب برای مخاطب است. کل تیم تولید بر استفاده از بازیگران شناخته شده و در عین حال توانمند اتفاق نظر داشت که در نهایت این‌ها بهترین گزینه‌ها برای بازی در این سریال باشند. هر نقش‌های بازیگری جلوی دوربین رفتند که همگی چهره‌هایی محبوب، خوشنام و حرفه‌ای هستند.**

■ **در روند تولید، باز خورد ها و واکنش‌هایی که در تشابه نقش یاور چلویی و حشمت فردوس و جنس بازی داریوش ارجمند دریافت کردید در تعدیل بازی ایشان تأثیر داشت؟**

به اعتقاد من منتقدان بدون توجه به جزئیات و حتی بدون دیدن چند قسمت کامل در این باره اظهار نظر کردند. آقای ارجمند از توانمندترین بازیگران سینمای ایران است و در کارنامه‌اش شاه نقش‌هایی دارد که شاید هیچ بازیگری تا سال‌ها نتواند کیفیت این نقش‌ها را تکرار کند. یک بار سر صحنه به خود آقای ارجمند هم گفتم. «ساعتی» که کارنامه فعالیت شما از بی‌اشتباه‌ترین کارنامه‌های بازیگری است. هر نقشی که ایشان بازی کرده درست بوده و به‌خوبی اجرا شده است. چه زمانی که با ناصر تقوایی (نابخدا خورشید» را کار کرده، چه زمانی که با بیضایی «سگ کش» را و چه زمانی که با کی‌بی‌بی «اعتراض» و «رئیس» را یا با احمد رضا معتمدی نقشی طنز در «قاعده



عشق و شعار در «بچه مهندس» در گفت‌وگو با احمد کاوری

عشق لازمه یک اثر دراماتیک است

سریال اطلاع‌دارید.

بازخورد منفی در شبکه‌های اجتماعی ندیدم. شاید نزدیک به ۵ درصد آدم‌ها نسبت به یکسری لحظات که در قصه وجود دارد اعتراض‌هایی داشته باشند اما طبق کمانت‌هایی که دریافت کردم حدود ۹۵ درصد مخاطبان رضایت داشتند و پیگیر دنباله‌دار با احمد کاوری که کارگردانی این فصل از مجموعه «بچه مهندس» را برعهده داشته گفت‌وگو کردیم.

■ **رسیدن سریال «بچه مهندس» به فصل چهارم به تنهایی گواه اهمیت این سریال برای تلویزیون است. با وجود این نگاه حمایتی برای قبول کارگردانی سری چهارم این مجموعه چه چالش‌هایی مواجه بودید؟** فصل اول این مجموعه را دیده بودم و پس از قبول کارگردانی سری چهارم، فصل دوسه را هم با دقت تماشا کردم تا اشراف کافی روی شخصیت‌ها و آدم‌های داستان داشته باشم. علاقه مخاطب به شخصیت‌هایی که در ذهنش شکل گرفته و اهمیت سرنوشت آنها یکی از وجوه تمایز این سریال بود که سبب شد مخاطب علاقه‌مند به پیگیری آن باشد. علاوه بر این فضاهای عاطفی و عاشقانه و مهت و تلاش برای رسیدن به موفقیت، شاخصه‌هایی است که تماشاگر را مشتاق به تعقیب سریال کرد.

■ **از بازخورد مخاطب و نظرات مردم نسبت به**



اصغر نعیمی در گفت‌وگو با «ایران» از رفاقت، خانواده و پاسداشت سنت در «یاور» گفته است

جامعه تشنه همین هاست

ترنس عاشوری
خبرنگار

بحث برانگیزترین موضوع در چگونگی ساخت سریال‌های مناسبتی زمانبندی تولید آنهاست. موضوعی که در هر مناسب‌ت تکرار می‌شود و بسیاری از سریال‌ها تا روزهای پایانی پخش همزمان در حال تصویربرداری هستند. سریال‌های ماه رضانی امسال تلویزیون هم از این قاعده مستثنی نبود. برای پریمیز از شتاب‌زدگی که جز؛ لاینفک سریال‌های مناسبتی شده است، عوامل تولید «یاور» از همان روزهای پیش تولید تصمیم گرفت با دو تیم به کارگردانی سعید سلطانی و اصغر نعیمی به‌صورت همزمان ساخت سریال را به سرانجام برسانند. ترکیب سعید سلطانی ا کارگردان، آرمان

ما که بر اساس بازخوردها کار نمی‌کنیم. بر اساس متن و ویژگی‌های نقش کار می‌کنیم. بازخوردها شکل منسجمی ندارد. از خیلی‌ها شنیده‌ام که حتی تکرار «یاور» را هم تماشا می‌کنند و از حضور آقای ارجمند در سریال لذت می‌برند گروه کوچکی هم هستند که معتقدند شاید این نقش حال و هوایی شبیه حشمت فردوس داشته باشد. اگر متناوب باشد که بازخوردها را لحاظ کنیم بگویید باید کدام را ملاک و معیار قرار بدیم؟ ما به ویژگی‌های متن و نقش توجه می‌کنیم نه بازخورد ها. این پریمیز اغراق‌ها هم که اشاره کردید لازم‌ه کار و ناشی از متن است، شخصیت حشمت فردوس کاراکتری پررونگار بود و اجرای آن باید وجه نمایشگرایانه بیشتری می‌داشت اما یاور برعکس او کاراکتری درونگرا است و آقای ارجمند اینجا کنترل شدن بر بازی کرده‌اند.

■ **«یاور» بیش از هر چیز گویای جنس کار سعید مطلبی است. حضور او در مقام نویسنده کاملاً محسوس است. قهرمان فیلم از هم‌نسلان خود اوست، مثل دیگر سریال‌هایش از جمله «ماه و پلنگ» و محسن و عاصف و کالت می‌خوانند که رشته تحصیلی سعید مطلبی است. پیام سریال خانواده دوستی و رفاقت است. اشاره می‌کند که آدم‌های قدیم چقدر اخلاق مدار هستند. به رفاقت اهمیت می‌دهد. الگوسازی می‌کند که می‌شود این رفاقت را در نسل جوان هم دید و...**

آقای سعید مطلبی را خیلی قبل‌تر از «یاور» از نزدیک می‌شناختم، به همین خاطر با دیدگاه ایشان آشنا هستم و برای من قابل احترام هستند. وجه تمایز آقای مطلبی نسبت به سایر نویسندگان تجربه و تسلطی است که بر درام دارد. می‌توانم به جرأت بگویم هیچ‌کدام از نویسندگان امروز تجربه و اشراف ایشان را بر درام و داستا‌گویی برای مخاطب ایرانی ندارند. اگر «یاور» ارتباط گسترده‌ای با مردم برقرار کرده یک دلیل بسیار



وجود دارد. یعنی یک آدم باید شیفته آدم دیگر باشد که بخواد مسیر رسیدن به آن را به‌گونه‌ای طی کند. ■ **رفتار متعصبانه و شیفگتی جوادری شرایط سنی او و شخصیت یک نخه علمی که به مقام استادی رسیده غیر معمول است. آیا این موضوع سبب کشار شدن قصه و خسته شدن مخاطبان نشده است؟**

این ارتباط در فصل گذشته شکل گرفته و الان هم ما شاهد ادامه همان فصل هستیم. اینکه تغییراتی در بازیگران داشتیم درست است ولی به نوعی ادامه همان ارتباطات فصل گذشته را شاهدیم. جواد به خا منی تقاضای ازدواج داده و این خانم هم جواب مثبت داده است. حال شاهد مواععی هستیم که این دو برای رسیدن به هم باید از آنها عبور کنند. این

غرق نشو و توجه داشته باش که شرایط مدرن امروز در صورت بی‌توجهی به سنت‌ها می‌تواند تبدیل به دامی برای جامعه امروز و آدم‌های آن شود. سعید مطلبی به شکلی هوشمندانه این نگاه را در کارهایش پیگیری می‌کند و مدام به جامعه و بشر امروز هشدار می‌دهد که فراموشی ارزش‌های مثبت بازمانده از سنت باعث خسارت می‌شود. جانمایه «یاور» هم همین است که شکلی از رفاقت، وفاداری و تعهدی که در گذشته وجود داشت را می‌توانیم در امروز هم تکرار کنیم. نسل جوان متوجه باشد که با انکابه همین رفاقت‌هایی که ریشه در سنت ما دارد می‌تواند از بحران خارج شود. برای آقای مطلبی خیلی مهم است کاری که به‌عنوان فیلمنامه از زیر دستش بیرون می‌آید و ساخته می‌شود این پیام درست و دقیق را برای مخاطب امروز برساند که با احترام به خانواده و سنت‌های درست اجتماعی خودمان می‌توانیم رشد کنیم. سعید مطلبی در نوشته‌هایش همواره متعهد و منادی ارزش‌ها بوده و آنقدر در در ساخت درام و قصه‌گویی قدرت دارد که این دغدغه‌ها را در دل درامی جذاب ارائه کند.

■ **جوانمردی، قنوت و اخلاق در قدیم باور پذیر بود. نقش جوانمردی را ناصر ملک مطیعی و ایرج قادری که بازی می‌کردند مردم قبول داشتند حالا چطور؟ معتقدید ساخت چنین سریال‌هایی این توان و پتانسیل را دارد که فرهنگ‌سازی کند؟**

مسلم است. اصلاً بر مخاطب بودن سریال «یاور» گواه همین مدعاست که جامعه امروز ما تشنه شنیدن و دیدن چنین روایت‌هایی است. پرداختن به چنین مضامینی می‌تواند تأثیر گسترده روی مخاطب بگذارد. احساس من این است که به لحاظ اجتماعی مردم ما به مرحله کمای معنویت رسیده‌اند و ساخت و نمایش آثاری مثل «یاور» می‌تواند حکم شوکی را داشته باشد که مخاطب و مردم از این کما و بیهوشی خارج کند. ■ **به‌عنوان یک منتقد چقدر این نظریه را قبول دارید که سریال‌های امروز به قول معروف گل نمی‌کنند و توان تکرار موفقیت سریال‌های مناسبتی سال‌های گذشته را ندارند. این نگاه شما این فرضیه چقدر درست است و چند درصد خطاست؟**

تا حدودی مخالف این نظریه هستم. سریال‌هایی که به‌نظر شما گل کرده در گذر زمان صحت این ویژگی‌ها را از دست می‌دهند. اگر مخاطب این است که مثلاً در یک دوره سریال‌های رضا طارن را بر مخاطب بوده، باید این را هم در نظر بگیرد که در همان ایام هم خیلی از منتقدان نسبت به نوع طنز و شوخی‌های سریال‌های طارن انتقاد جدی داشتند. یا کارهای دیگری که به نظر این شخص می‌آید در گذر زمان در خاطر مخاطب ماندگار شدند. امروز هم در مواجهه با برخی آثار شاید احساس کنید به قوت تجربه‌های موفق تلویزیونی نباشند ولی ممکن است چند سال دیگر نظر متفاوتی داشته باشید. برای قضاوت درباره ماندگار شدن یا نشدن یک سریال باید منتظر زمان بود. به اعتقاد من هر جا که نویسنده خوب در تیم تولید حضور داشته، عزم جدی پشت کار وجود داشته و زمان مناسبی در اختیار گروه سازنده قرار گرفته، تلویزیون توانسته‌سریالی ماندگار بسازد.

■ **در پایان از تجربه کار در فضای کرنا بگوید. در مقایسه با شرایط طبیعی چه فشار و محدودیت‌هایی را تجربه کردید؟**

مدیریت روانی گروه در دوران کرنا چه برای اینکه‌کننده و چه برای کارگردان چالش خیلی جدی است. کارکردن در دوران کرنا مسئولیت‌های تهیه‌کننده و کارگردان را چند برابر می‌کند، به این دلیل که ما با تیم و گروهی مواجه هستیم که تحت استرس و شرایط خاص این بیماری، روحیه و انگشت‌های متفاوتی دارد. کارکردن در این دوران برای خود من چالش جدی بود. الحمدلله گروه هم‌راه و همدلی داشتیم. آقای زین کوب به‌عنوان تهیه‌کننده از هیچ تلاش و محامیلی در جهت کنترل و حفظ سلامت جمعی و روحی گروه فروگذار نکردند. از این بابت من به سهم خود از آقای زین کوب ممنونم. نقش ایشان در ایجاد آرامش و فضایی امن و مناسب برای گروه در حین کار بسیار حائز اهمیت و مؤثر بود.

شیفتگی که شما می‌گویید، نمی‌دانم در کجای قصه است. این شیفتگی نیست. به هر حال وقتی شما با کسی قرار می‌گذارید حتی اگر ارتباط کوتاه مدتی هم باشد، شما نسبت به آن شخص تعصب پیدا می‌کنید. تعصب به نسبت از یک حس عاطفی است که تعصب به این آدم در شما ایجاد می‌شود. عشق اصلاً زمان نمی‌شناسد که اگر کهنه باشد پر شورتر و اگر مدت زمانش کمتر باشد شور کمتری داشته باشد. شور و هیجانی که در ارتباط و عشق وجود دارد می‌تواند در یک نگاه شکل بگیرد. کما اینکه ما زمان‌ها و آثار یک نگاه شکل گرفته است.

■ **در فصل گذشته جواد دوست صمیمی و هم دانشگاهی داشت که در این فصل به‌هیچ‌وجہ از آنها صحبت نمی‌شود. آیا این حذف از طرف نویسنده صورت گرفته یا نظر شما بوده‌است؟**

ما در این فصل با قصه دیگری طرف هستیم. شخصیت اصلی داستان در قبرستان با فرد تازه‌ای آشنا می‌شود و ماجراهای تازه‌اش می‌گیرد. برداشت من این است که برخی از شخصیت‌های فصل گذشته هیچ حضوری نمی‌توانستند در فصل چهار داشته باشند. اگرچه در متنی که من برای کارگردانی این فصل به دست گرفتم چیزی راجع به داستان آن شخصیت‌ها هم نبود.